

ثروت بزرگی که از دست می‌دهیم

مطالعات زیست‌محیطی، پیش از اجرای پروژه‌ها در حوزه طبیعی حیاتی است...



مطالعات زیست‌محیطی، پیش از اجرای پروژه‌ها در حوزه طبیعی حیاتی است
ثروت بزرگی که از دست می‌دهیم
آیا به راستی می‌توان ارزش واقعی منابع طبیعی ایران را تعیین کرد؟

یک تالاب، یک دریاچه یا یک پهنه جنگلی طی هزاران سال و در نتیجه رفتارهای بسیار شگفت و پیچیده طبیعت به وجود می‌آیند و در حفظ تعادل زیستی نقش بسیار حیاتی برعهده می‌گیرند، بنابراین، اینگونه مواهب ارزشمند و بی‌جان‌شین طبیعی را اگر بخواهیم قیمت‌گذاری کنیم، تقریباً ناممکن است و هر رقمی را که به دست آید باید در تعداد روزهایی که زمان صرف شده تا این اکوسیستم‌های بی‌مانند به وجود آیند، ضرب کنیم و آنگاه به قیمت واقعی آنها برسیم. اما چرا، مثلاً برای اجرای یک پروژه جاده‌سازی بدون در نظر گرفتن ارزش‌های کم‌نظیر و بی‌جان‌شین این اکوسیستم‌ها، موجودیت آنها را به خطر می‌اندازیم؟ ارزش افزوده یک پروژه تولیدی، عمرانی یا راهسازی با عمر مفیدشان برای ما روشن است اما چرا ارزش افزوده مواهب طبیعی را که می‌توانند برای چندین نسل مفید فایده باشند و در چرخه زیست، نقشی حیاتی را ایفا کنند به حساب نمی‌آوریم.

هفته پیش هنوز دلوایس تالاب بسیار زیبا و بی‌مانند میانکاله بودم که در خبرها خواندم تالاب گاوخونی به بیابان تبدیل می‌شود! و البته این نیز به یادمانده است که تعداد روزهای هوای سالم در بسیاری از مناطق کشور ما به سرعت روبه‌کاهش می‌رود. به خصوص که جبهه‌های ناخوانده از گردوغبار که به ریزگرد عربی شهرت یافته، در چهارفصل سال چند استان ایران را در معرض هجوم قرار می‌دهد و هوای این مناطق حتی کرج و تهران را ناسالم می‌کند.

اگر عوارض ناشی از پیامدهای زیانبار همین گردوغبار بر سلامتی انسان، گیاهان و همه موجودات زنده را به حساب بیاوریم، متوجه می‌شویم که نیزارهای جنوب، دریاچه‌ها و تالاب‌هایی که حالا وجود ندارند، تا چه اندازه در کنترل و مهار این توفان خاک نقش حیاتی داشته‌اند، اما زمانی که بوده‌اند، قدرشان شناخته نشد.

وقتی در سال‌های پیش‌تر انبوه ریزگردها و گردوغبار آلوده بر اثر فعل و انفعالات بسیار پیچیده اما حیاتی تالاب‌ها، نیزارها، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها مهار می‌شدند، از بسیاری خسارات سنگین و غیرمترقبه جلوگیری می‌کردند. علاوه بر این، آنها در حفظ منابع آب به‌خصوص سفره‌های آب زیرزمینی نقش بسیار حیاتی دارند.

در کشورهایی که راه‌ها را توسعه داده‌اند، معمولاً همراه نقشه‌های راهسازی، نقشه‌های مربوط به رگه‌های آب، مراتع استراتژیک، آبخوان‌ها و سایر شریان‌های حیاتی هم آماده است و گروهی از مهندسان و کارشناسان ورزیده محیط‌زیست، این اکیپ‌ها را همراهی می‌کنند تا جاده‌ها حتی‌المقدور به آبرگ‌های زمین آسیب نزنند. متأسفانه دریاچه پریشان فارس مشمول این ملاحظات زیست‌محیطی قرار نگرفت و زندگی آن روبه‌خاموشی رفت. تالاب گاوخونی که از مهم‌ترین و ارزشمندترین تالاب‌های ایران است، چنان خشکیده که به قول کارشناسان به بیابان تبدیل خواهد شد.

ایجاد جاده‌های آسفالتی در کوه دماوند برای کندوکاوهای معدنی هم نوعی سهل‌انگاری آشکار نسبت به تعادل بسیار ظریف و شکننده شبکه‌های پیچیده طبیعی است که طی هزاران سال شکل گرفته‌اند.

پس بهتر است همان‌طور که ارزش‌های اقتصادی یک پروژه، محاسبه و سنجیده می‌شود، ارزش‌های افزوده مواهب گرانقدر طبیعی هم محاسبه شود و طرح‌ها، براساس نظر و مطالعات کارشناسان منابع طبیعی و محیط‌زیست به اجرا سپرده شوند، نه پیمانکارانی که تنها آموخته‌اند سینه کوه را برای گشودن راه بگشایند.

سرزمین کهنسال ما ایران با داشتن کوبیرها و دشت‌های وسیع، همواره با کم‌آبی روبه‌رو بوده است. به این دلیل، وجود یک تالاب، دریاچه یا سایر اکوسیستم‌های آبی، برای چنین سرزمینی یک موهبت گرانقدر و بی‌جان‌شین محسوب می‌شود. به خطر افتادن دریاچه

ارومیه، دریاچه پریشان، تالاب گاوخونی و تهدید جدی تالاب میانکاله هشدار جدی است و عاقلانه تا مطالعات کارشناسان زمین‌شناسی، منابع طبیعی و محیط‌زیست پیش از اجرای هرگونه پروژه اعم از سدسازی، راهسازی، معدن و... انجام شود و طبق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در حفظ منابع طبیعی و اکوسیستم‌های حیاتی کشور، مساعی لازم به عمل آید.